

پیش‌خواب

نظری بر روایت حسین احمدی روحانی از فراز و فرودهای سازمان موسوم به مجاهدین خلق

تجربیات عضو مؤثر!

■ **شاهد توحیدی**



مرکز اسناد انقلاب اسلامی ناشر این کتاب، در دیپاچه‌ای نویسنده این کتاب را بدین شرح معرفی کرده است: «حسین احمدی روحانی در سال ۱۳۲۰ ش در مشهد متولد شد. پس از اخذ دیپلم، برای ادامه تحصیلات به دانشگاه کشاورزی کرج راه یافت. وی از دومین گروهی است که به سازمان مجاهدین پیوست و از کادرهای مرکزیت سازمان شد. کتاب شناخت از آثار حسین روحانی است. وی در ماجرای هواپیمارمایی سازمان به عراق رفت و مدت‌ها راستای اهداف سازمان مجاهدین به عراق و بیرون سفر کرد. بعد از تغییر ایدئولوژی سازمان (۱۳۵۴) نیز مازکسیست شد و پس از پیروزی انقلاب اسلامی با تنی چند از بازماندگان سازمان مجاهدین، سازمان مورد حمله نیروهای انقلاب کارگرا بنیان گذاشت. سازمان پیکار که بنای خصمانه‌ای با جمهوری اسلامی گذاشته بود، در تیر ۱۳۶۰ مورد شناسایی نیروهای انقلاب قرار گرفت و ضربه‌ای کاری را پذیرفت. در این عملیات بیش از ۱۰۰ قبضه سلاح خودکار و تعدادی از کادرهای سازمان دستگیر شدند. حسین روحانی تلاش کرد سازمان را بار دیگر سروسامان بدهد ولی مجددا در بهمن همان سال، سازمان مورد حمله نیروهای انقلاب گرفت و اعضای باقی‌مانده، از جمله حسین روحانی دستگیر شدند. حسین روحانی در زندان به همکاری پرداخت و اطلاعات ذی‌قیمتی را در اختیار نیروهای انقلاب گذاشت. از جمله تألیفات روحانی، در مرکز اسناد انقلاب اسلامی موجود است و در بسیاری از



کتاب‌هایی که در رابطه با انقلاب اسلامی نوشته شده، به عنوان دست‌نوشته‌های حسین روحانی مورد استناد قرار گرفته است. مرکز اسناد انقلاب اسلامی به حکم وظیفه تبیین تاریخ انقلاب اسلامی، این دست‌نوشته را بدون هیچ کم و کاست یا تغییری تنها با ویرایش، در حد علامت‌گذاری و سه باورقی توضیحی به چاپ می‌رساند. از آنجا که از سازمان مجاهدین خلق به دلیل ماهیت آشوبی و فرقه‌اش، اطلاعات کمی منتشر شده‌است،انتشار این کتاب از سوی یکی از اعضای اصلی سازمان می‌تواند اطلاعات مفیدی را در اختیار اهل تحقیق قرار دهد. حسین احمدی روحانی نیز در یادداشت مختصری بر مجموعه خاطرات و تحلیل‌های خود، آنها را این‌گونه به توصیف کشیده است: «نویسنده این سطور که خود یکی از اعضای مؤثر سازمان مجاهدین خلق ایران، بخش مشعب و سازمان پیکار می‌باشد، بنابر تقاضای برادران مسئول دادستانی مرکز بر آن شد تا تاریخچه‌ای هر چند مختصر از مجموعه فعالیت‌ها، مواضع و عملکردهای گروه‌های فوق‌الذکر به رشته تحریر درآورد. این نوشته هم می‌تواند برای خوداعضا و هواداران این گروه‌ها هم برای برادران دست‌اندرکار جمهوری اسلامی و هم برای تمامی مردم قهرمان و شهیدپرور ایران از روایای مختلف مفید واقع شود. در مورد این نوشته ارائه توضیحی به خوانندگان ضروری است و آن اینکه نویسنده در بررسی و تشریح فعالیت، مواضع و عملکردهای هر سه سازمان مورد بحث، اولاً: مسائلی را که جنبه اساسی و مهمی داشته‌اند بررسی کرده، و از ذکر مسائل فرعی‌تر خودداری کرده؛ ثانیاً: آن دسته از مسائل و موضوعاتی که نویسنده شخصاً از آنها اطلاع کافی و موفق داشته تجزیه و تحلیل شده؛ ثالثاً در توضیح کلیه مسائل مطرح‌وحه در این نوشته، سعی شده تا مسائل و موضوعات، حتی‌الامکان از زاویه دیدگاه سازمان مورد نظر بررسی شود، نه براساس دیدگاه کنونی نویسنده و از این رو با دقتی وسواس‌گونه کوشش شده تا به این مسئله، حتی‌الامکان توجه شود، زیرا عدم رعایت این مسئله، نوشته را از ارزش تاریخی و سازمانی آن می‌اندازد و به آن جنبه فردی و شخصی می‌دهد. این نکته‌ای بود که با هدف اصلی‌ای که این نوشته به خاطر آن تهیه شده، مغایرت داشت. امید دارم این کوشش بتواند نویسنده را در حرکت جدید خود و پیوستگی‌اش به جرگه امت حزب‌الله و خط امام کمک کرده و توانسته باشد از این طریق، گوشه‌ای هر چند ناچیز از گذشته خود را جبران کند.»

احمد رضا صدیقی

■ **احمد رضا صدیقی**

تشکیل موسوم به جبهه ملی ایران، پس از تقلب در دوره نخست انتخابات مجلس سنازودهم تشکیل یافت، در دوران ملی شدن صنعت نفت اوج گرفت و سپس از رویداد ۲۰ تیر ۱۳۳۱ رو به افول رفت. خوانش این تاریخچه، به واقع بازخوانی تاریخ نهضت ملی است. مقالی که پیش‌رو دارید، در پی آن بوده که به چند و چون این رویداد بپردازد. امید آنکه مقبول آید. ■■■

■ **آنچه گروه‌های مختلف را در جبهه**

گرد آورد

دلیل اصلی ایجاد جبهه ملی در ابتدای کار اتحاد و همکاری بین گروه‌های مختلف ملی، مذهبی، چپ و پان‌برانیست‌ها بود. این جبهه در ۲۵ اسفند ۱۳۲۸ برنام‌های خود را به این شکل اعلام کرد:
* مخالفت با قرارداد گس – گلشایبان
* حفظ و حراست از آزادی‌های فردی و اجتماعی
* اعضای جبهه ملی برای نیل به این اهداف قصد داشتند این اصلاحات را انجام دهند:

■ اصلاح قانون انتخابات
■ تجدید نظر در قانون مطبوعات
■ تجدید نظر و اصلاح حکومت نظامی
■ تغییر اصل ۴۸ قانون اساسی
اعضای جبهه ملی از همان ابتدای فعالیت پارلمانی خود در مجلس شازدهم سعی داشتند قبل از هر کار، طرح و لایحه‌ای، به‌خصوص در مورد نفت به اصلاح قانون مطبوعات بپردازند تا صاحبان نشریات بتوانند بدون ترس از توقیف و محاکمه در زندان اقدامات مجلس را به صورت شفاف در نشریات خود درج کنند. همچنین می‌خواستند قانون حکومت نظامی را اصلاح کنند تا مخالفان دولت و نمایندگان مجلس بدون ترس از بازداشت و محاکمه به نقد اقدامات اساسی تفسیر شود تا مجلس در لحظات حساس و بحرانی بتواند تصمیم‌گیری کند و به بهانه‌های واهی توسط شاه تعطیل نشود. سرانجام قرار شد قانون انتخابات اصلاح شود تا نمایندگان واقعی مردم مجلس را بایند و نمایندگانی که می‌خواهند در دوره بعد مجدداًانتخاب شوند، برای حصول اطمینان از این موضوع در مجلس وادار به سکوت نشوند. رجبعلی منصور با این هدف کابینه خود را تشکیل داد که هر وقت لازم شد استعفا بدهد و محنه را براری دیگران خالی کند. در روز ۵ تیر ۱۳۲۹ کابینه منصور به شکل غیرمنتظره‌ای استعفا داد و چند ساعت بعد سیهبد رزم‌را کابینه خود را معرفی کرد. او رئیس

تاریخچه

کفت و گو ۸۸۴۹۴۳۷



جبهه ملی ایران، از روزهای اوج تا سراشیب افول

ماه عسل یک همکاری!

سناد ارتش و وابسته به انگلستان و امریکا و افسر مقتدری بود.

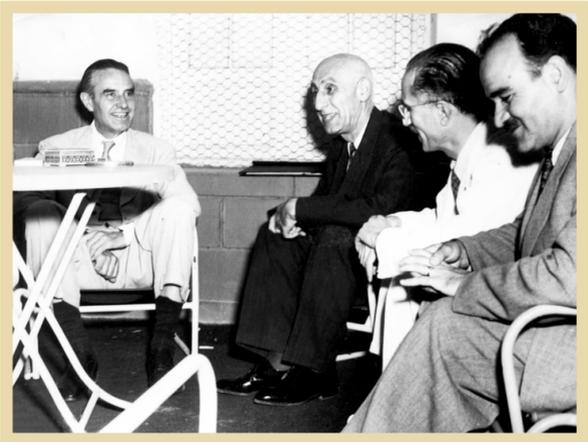
■ **جبهه ملی و روبرویی با دولت رزم‌آرا**

بلافاصله پس از اعلام کابینه رزم‌آرا، آیت‌الله کاشانی با صدور بیانیه‌ای آن را غیرقانونی اعلام کرد. جبهه ملی و دکتر مصدق هم طبیعتاً نمی‌توانستند با کابینه رزم‌را که وابسته به بیگانگان بود موافق باشند. دکتر مصدق دربارۀ کابینه رزم‌را اعلام کرد دولت او برخلاف سنن پارلمانی یعنی قبل از اخذ رأی اعتماد از مجلس تشکیل شده و در واقع کابینه‌ای تحمیلی است. جبهه ملی در ۵ تیر ۱۳۲۹ موضع خود را علیه کابینه رزم‌را اعلام کرد و از همه مردم خواست در مقابل دیکتاتوری در حال تکوین او مقاومت به خرج بدهند. با این همه کابینه رزم‌آرا به‌رغم مخالفت جبهه ملی در روز ۱۳ تیر ۱۳۲۹ از مجلس رأی اعتماد گرفت. دولت رزم‌آرا دو برنامه مهم را پیش رو داشت:

■ تشکیل انجمن‌های ایالتی و ولایتی

■ تعیین تکلیف قرارداد الحاقی

مجلس شانزدهم رسیدگی به لایحه الحاقی را به کمیسیون نفت متشکل از ۱۸ نفر واگذار کرد. پنج نفر از اعضای جبهه ملی در این کمیسیون شرکت کردند. رئیس کمیسیون دکتر مصدق و منخرین آن حسین مکی بود. کمیسیون نفت در ۵ تیر ۱۳۲۹ کار خود را شروع و طی ۲۴ جلسه متوالی تمام پرونده‌های شرکت نفت ایران و انگلیس را بررسی کرد. پیرو تلاش مصدق و جبهه ملی لایحه الحاقی گس- گلشایبان به اتفاق آراء و پیشنهاد ملی شدن صنعت نفت از طرف جبهه ملی در کمیسیون نفت مطرح شد. این پیشنهاد قبول نشد اما دکتر مصدق پس از اعلام نظر کمیسیون نفت به مجلس بلافاصله ملی شدن صنعت نفت را به عنوان پیشنهاد ملی شدن صنعت ملت ایران از یوغ بیگانگان مطرح کرد. جبهه ملی، ملی شدن صنعت نفت را تنها راه نیل به استقلال اقتصادی و سیاسی کشور می‌دانست. رزم‌آرا برای مقابله با این تفکر و فشار بر اقلیت مجلس و نشریاتی که افکار آنها را منتشر می‌کردند عرصه را بر آنان تنگ و نشریات را توقیف کرد. شرکت نفت ایران و انگلیس که با رد لایحه الحاقی گس – گلشایبان اوضاع را نامناسب و تصویب قانون ملی شدن صنعت نفت را نزدیک می‌دید، به رزم‌آرا دستور داد لایحه الحاقی را از مجلس پس بگیرد. کمیسیون نفت پس از مخالفت با لایحه الحاقی دو ماه فرصت گرفت تا درباره صنعت نفت در سراسر کشور تحقیق کند. کمیسیون نفت در روز ۱۷ اسفند تصمیم خود را مبنی بر ملی شدن صنعت نفت به مجلس شورای



کاظم حبیبی و الهیار صالح از اعضای اولیه جبهه ملی در کنار دکتر مصدق به هنگام گفت‌وگوی یادآور تاریخچه واقعه ۲۰ تیر ۱۳۳۱

داده‌ها

در فاصله اردیبهشت ۱۳۳۰ تا تیر ۱۳۳۱ عده‌ای از مؤسسین جبهه ملی که از اقدامات دکتر مصدق دل خوشی نداشتند از جبهه ملی کناره‌گیری کردند و بعضی از آنها بر دشمن جدی او و دلیل رنجش سران جبهه ملی می‌دانند.

برخی مشهور‌تناپذیری دکتر مصدق و بی‌اعتنایی او به یاران و دوستان سابقش را ضعیف‌سازی و تضعیف بزرگ او و دلایل رنجش سران جبهه ملی می‌دانند. تفرقه در جبهه ملی را فراهم کنند. در نتیجه در فاصله اردیبهشت ۱۳۳۰ تا تیر ۱۳۳۱ عده‌ای از مؤسسین جبهه ملی که از اقدامات دکتر مصدق دل خوشی نداشتند از جبهه ملی کناره‌گیری کردند و بعضی از آنها به دشمن جدی او تبدیل شدند. برخی مشهور‌تناپذیری دکتر مصدق و بی‌اعتنایی او به یاران و دوستان سابقش را ضعف بزرگ او و دلیل رنجش سران جبهه ملی می‌دانند.

حضور فردی چون دکتر احمد متین‌دفتری داماد دکتر مصدق در هیئت مدیره شرکت نفت و از هم‌راهان او در سفر شورای امنیت مخالفت برخی اعضای مؤسس جبهه ملی را برانگیخت، زیرا متین‌دفتری آشکارا وابسته به انگلستان بود اما آیت‌الله کاشانی و توده مردم همچنان از مصدق حمایت می‌کردند.

۱-اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور و اختصاص دادن درآمدهای حاصله از آن برای رشد و پیشرفت اقتصاد کشور و رفاه و آسایش عامه مردم

۲-اصلاح قانون انتخابات مجلس شورای ملی و شهرداری‌ها

آیت‌الله کاشانی در اطلاعیه‌ای اعلام کرد برای اینکه دکتر مصدق در انتخاب همکاران خود آزاد باشد، از هر توصیه‌ای خودداری خواهد کرد تا او در انجام مسئولیتش احساس تکند مانعی بر سر راه او وجود دارد اما دکتر مصدق برخلاف انتظار همه وزرای خود را از بین عناصر خونام و فعال داخل و خارج کشور انتخاب نکرد، بلکه آنها را از بین افرادی که در دولت‌های سابق حضور داشتند انتخاب کرد. کسانی چون سرهنگ زاهدی برای وزارت کشور، جواد بوشه‌ری عامل شناخته‌شده انگلستان برای وزارت راه و باقر کاظمی که در یکی از کابینه‌های قبلی وزیر خارجه بود. همین رویکرد شروع تفرقه در جبهه ملی بود.

■ **اولین ندای مخالفان از درون جبهه ملی**

هر چند دکتر مصدق این کار را برای ساکت نگه داشتن جناح‌های مختلف هیئت حاکمه انجام داد، اما عبدالقدر آزاد به نشانه مخالفت با ترکیب کابینه او از جبهه ملی و فرانسویون وطن استعفا داد و آیت‌الله کاشانی نیز با صدور اعلامیه‌ای خود را از مداخله در طرز تشکیل دولت مصدق برکنار دانست.

دکتر مصدق در خرداد ۱۳۳۰ هیئت مدیره موقتی را برای شرکت نفت تعیین و آن را مأمور خلع ید از شرکت استعماری نفت جنوب کرد. سرانجام در روز ۲۹ خرداد ۱۳۳۰ از شرکت نفت انگلیس خلع ید شد. دولت انگلستان از شاه ایران خواست قانون خلع ید را نپذیرد اما طبق اصل ۴۹ متمم قانون اساسی شاه نمی‌توانست مصوبه مجلس شورای ملی را توقیف یا تعویض کند. انگلستان که منافع خود را در خطر می‌دید برای ایجاد وحشت ناوگان جنگی خود را عازم خلیج فارس کرد اما اتحاد و هماهنگی گروه‌های سیاسی با هم و با توده مردم سبب شد جنگی صورت نگیرد. انگلستان از ترس شروع جنگ جهانی از حمله به ایران منصرف شد و ناوگان این کشور به‌جای تصرف آبادان، کارمندان انگلیسی شرکت نفت را با خود برد. انگلستان که از طریق اعزام ناوگان دریایی به هدف خود نرسیده بود سعی کرد از طریق مراجع قانونی بین‌المللی کارش را پیش ببرد و به دیوان بین‌المللی لاهه شکایت کرد. دولت مصدق به دخالت دیوان بین‌المللی لاهه اعتراض کرد زیرا این دادگاه فقط موظف به حل اختلاف بین دولت‌هاست و نه یک دولت یا یک شرکت تجاری اما دادگاه لاهه به این اعتراض واقعی نپردازد و در روز ۱۳ تیر حکم ضرورت انجام اقدامات تأمینی برای جلوگیری از زیان‌های وارده به حقوق طرفین، از جمله ادامه بهره‌برداری صنعتی و بازرگانی شرکت نفت ایران و انگلیس را صادر و به ایران اعلام کرد. بار دیگر دولت ایران دیوان لاهه را برای رسیدگی به این پرونده صالح ندانست و اعلام کرد برای رأی صادره ارزشی قائل نیست. ضمناً برای دبیرکل سازمان ملل تلگرافی فرستاد و اعلام کرد دادگاه لاهه از جدت عدالت خارج شده و اعتماد عمومی را سلب کرده و به منازلتن ساخته است و دولت ایران زیر بار قضاوت اجباری آن نخواهد رفت. انگلستان به بهانه سر باز زدن ایران از اجرای حکم دیوان لاهه و به خطر زانداختن صلح بین‌المللی از ایران به شورای امنیت شکایت کرد. دکتر مصدق در روزهای آخر مهر ۱۳۳۰ با حضور در جلسات شورای امنیت سرانجام شورای امنیت بر خلاف انتظار و تقاضای انگلیس و در پی سکوت دیوان بین‌المللی لاهه در مورد صلاحیت خود برای رسیدگی به این پرونده، پرونده را مسکوت گذاشت.

■ **رویکردهای سؤال‌برانگیز مصدق و افزایش مخالفان وی در جبهه ملی**
ایران در بهمن ۱۳۳۰ کنسولگری انگلیس و شعبه‌های فرهنگی آن را به عنوان مراکز توطئه تعطیل کرد. دکتر مصدق در خرداد ۱۳۳۱ به لاهه رفت و عدم صلاحیت دیوان بین‌المللی لاهه را ثابت و ۱۸۱ سند مبنی بر دخالت انگلیس در امور ایران را به دادگاه ارائه کرد. کشورهای اروپایی پس از رفتن کارشناسان انگلیسی از ایران از فرستادن کارشناس به ایران خودداری کردند و حاضر نشدند نفت ایران را بخرند. این کار باعث شد منبع مهم درآمد کشور قطع و نفت

فقط در حد پاسخ به نیازهای داخلی تولید شود. دکتر مصدق در روز اول دی ۱۳۳۰ اوراق قرضه ملی را منتشر کرد و مردم برای خرید آن به‌طور طبقات متوسط جامعه انجام دادند و ثروتمندان از خرید این اوراق و کمک به دولت خودداری کردند. آیت‌الله کاشانی برای حمایت از دولت اعلام کرد تاکنون که از سال ۱۳۲۵ تاکنون مالیات نداده‌اند فوراً مالیات خود را بپردازند. به این ترتیب توطئه استعمار خنثی شد و کشور توانست به مبارزه خود علیه استعمارگران ادامه بدهد. این موفقیت‌ها و انسجام ملی سبب شد دشمنان داخلی و خارجی زمینه‌های ایجاد تفرقه در جبهه ملی را فراهم کنند. در نتیجه در فاصله اردیبهشت ۱۳۳۰ تا تیر ۱۳۳۱ عده‌ای از مؤسسین جبهه ملی که از اقدامات دکتر مصدق دل خوشی نداشتند از جبهه ملی کناره‌گیری کردند و بعضی از آنها به دشمن جدی او تبدیل شدند. برخی مشهور‌تناپذیری دکتر مصدق و بی‌اعتنایی او به یاران و دوستان سابقش را ضعف بزرگ او و دلیل رنجش سران جبهه ملی می‌دانند. حضور فردی چون دکتر احمد متین‌دفتری داماد دکتر مصدق در هیئت مدیره شرکت نفت و از هم‌راهان او در سفر شورای امنیت مخالفت برخی اعضای مؤسس جبهه ملی را برانگیخت، زیرا متین‌دفتری آشکارا وابسته به انگلستان بود اما آیت‌الله کاشانی و توده مردم همچنان از مصدق حمایت می‌کردند.

■ **آخرین حمایت‌های جبهه ملی از مصدق در ۳۰ تیر ۱۳۳۱**

در روز ۲۵ تیر ۱۳۳۱ دکتر مصدق برای مواجهه با مخالفان داخلی که دربار در رأس آن بود از شاه خواست وزارت جنگ را به او محول کند. شاه این درخواست را نپذیرفت و مصدق بی‌آنکه با دوستان خود در جبهه ملی مشورت کند استعفا داد و ملت را در بهت و حیرت باقی گذاشت. پس از استعفا مصدق، شاه بلافاصله حکم نخست‌وزیری قوام‌السلطنه را صادر کرد و مجلس هم به ریاست امام جمعه تهران و در غیبت نمایندگان طرفدار مصدق به کابینه قوام رأی اعتماد داد. قوام‌السلطنه بلافاصله اعلامیه شد‌اللحنی را صادر و به طرفداران ملی شدن نفت حمله کرد و گفت هر نوع مخالفتی را به‌شدت سرکوب خواهد کرد. آیت‌الله کاشانی در روز شنبه ۲۹ تیر ۱۳۳۱ در مصاحبه‌ای مطبوعاتی اعلام کرد ملت ایران زنده‌است و زیر بار باراب چنانیتکار نخواهد رفت. اگر کار ساخت خود کفن خواهد پوشید و به سمت دربار حرکت خواهد کرد تا خون در رگ من و این ملت شریف است اجازه نخواهیم داد امثال قوام بر ما حکومت کنند. قوام در پیام و پسغام‌های فراوانی که برای آیت‌الله کاشانی فرستاد حاضر شد انتخاب شش تن از وزرای کابینه خود را در اختیار ایشان بگذارد، اما مورد توافق ایشان قرار نگرفت.

در صبح روز ۳۰ تیر مردم تهران از هر سو به سمت مجلس شورای ملی به راه افتادند. دولت قوام حکومت نظامی اعلام کرده بود اما مردم به آن توجهی نکرده بودند. شاه تا ظهر آن روز اصرار داشت اگر قوام از پس کنترل اوضاع برنی‌آید با سیدضیاء به توافق برسد اما سید اعلام کرد دیگر دیر شده و مهار کار از دست همه دررفته است. ساعت ۴ بعد از ظهر بود که به مردم خبر رسید شاه، مصدق را خواسته و واگذاری وزارت جنگ را به مصدق قبول کرده‌است. به این ترتیب تیر دوم نخست‌وزیری دکتر مصدق شروع شد. او علاوه بر قدرت سیاسی و ریاست دولت اینک وزارت جنگ را هم به عهده داشت و دارای موقعیت مستحکمی بود. وقتی دادگاه لاهه به نفع ایران رأی داد، این موقعیت بیش از پیش تثبیت شد. آیت‌الله کاشانی هم به ریاست مجلس شورای ملی برگزیده شد.

■ **تکروی آغاز نخست‌وزیر و پایان عملی یک جبهه ملی**
اینگ همه چیز آماده بهره‌برداری از نهضت ملی به نفع مردم دستم‌دیده ایران بود اما زمینه‌های داخلی و توطئه‌های خارجی سبب شد بین آیت‌الله کاشانی و دکتر مصدق اختلاف پیش بیاید و آن انسجام و همبستگی بین توده‌های مردم و سران نهضت تضعیف شود. با بروز این اختلافات ضرایب سنگینی به نهضت ملی وارد شد. و پایه‌های حمایت مردمی که مهم‌ترین عامل در مواجهه با استعمار خارجی بود سست شد. مصدق با اشتباه بزرگ تاریخی نقش تعیین‌کننده آیت‌الله کاشانی را در قیام ۳۰ تیر ۱۳۳۱ نادیده گرفت و تصور کرد مردم به دلیل محبوبیت او به میدان آمده و شهید داده‌اند. او به توصیه‌های دلسوزانه آیت‌الله کاشانی توجه نکرد و حتی همدار جدی ایشان را در مورد قرب‌الوقوع کودتا نادیده گرفت. با توجه به اختیارات وسیع نخست‌وزیر به‌خصوص در زمینه قانون‌گذاری انتظارات مردم برای حل مشکلات از دولت دکتر مصدق بالا رفت. جدا شدن اعضای مؤثر جبهه ملی و انقصاد از اقدامات دولت در کنار دسیسه‌های عوامل دربار و وابستانگ به انگلیس و امریکا و چشم‌پوشی از خطاهای آشکار آنان و نزدیک شدن سیاست امریکا و انگلیس و طراحی مشترک آنها برای ایجاد تغییرات اساسی در ایران زمینه‌های انجام کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ را فراهم آورد. به این ترتیب نهضت ملی لغت که می‌توانست تلاطم‌دار تغییرات بنیادین در امور سیاسی و اقتصادی ایران باشد شکست خورد تا کشور بار دیگر و برای بیش از ده سه دستخوش غارت و چپاول کشورهای استعماری و خیانت حاکمان وابسته باشد.